

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح راه اندازی غرفه

وبلاگ نویسان

در

نخستین نمایشگاه اطلاع رسانی

شهر مقدس قم

خرداد ۱۳۸۲



طرح راه اندازی غرفه وبلاگ نویسان در نمایشگاه اطلاع رسانی

— پیش فرض:

از زمان ورود اینترنت به محدوده‌ی زندگی ما - در همین نقطه‌ای که زندگی می‌کنیم - هنوز یک دهه گذشته است و در این مدت کوتاه، آمارها رشد فزاینده و شتاب‌داری را در توسعه‌ی گستره‌ی کاربران این شبکه‌ی ارتباطی نشان می‌دهند. هر روز تعداد بیشتری از مردم این سرزمین با اینترنت آشنا می‌شوند و کار با آن را به عنوان جزیی از فعالیت‌های روزانه‌ی خود و به صورت بخشی غیر قابل انفکاک از زندگی اجتماعی و حتی شخصی تلقی می‌نمایند. قدرتی که اینترنت در برقراری ارتباط میان انسان‌ها دارد هر لحظه، آن‌ا فآناً، علاقه‌مندان بیشتری را به سوی خود جذب می‌کند و خود را ابتدا در میان نظم زندگی آنان جای می‌دهد و در زمانی کوتاه، خود نظم‌دهنده‌ی زندگی می‌گردد و به گونه‌ای تأثیرگذار، برنامه‌ریزی روند فعالیت‌های این علاقه‌مندان را تحت الشعاع قدرت ارتباطی خود قرار می‌دهد.

تا چند صباحی پیش من نیز چون بسیاری دیگر از کسانی که در این فضای ارتباطی غوطه‌ورند می‌پنداشتم اینترنت مانند سایر ابزارهای نوینی که فناوری عصر پسامدرن عرضه کرده است، تنها در میان جوانان و نونهالان و آنان که در سنین - به اصطلاح - یادگیری قرار دارند توسعه خواهد یافت و تأثیر آن از

این محدوده تعدی نخواهد کرد، یا حداکثر اگر در سنین بالاتر نیز کسانی باشند که بهره‌گیری از این رسانه و ابزار را پیشه‌ی خود سازند، بی‌تردید از میان متجددین خواهند بود و کسانی که رغبتی به نوآوری‌های تکنیکی و فناوری دارند و تحصیلات عالی‌ای که پیشاپیش زندگی آنان را با ابزارهای رقمی و دیجیتالی پیوند زده باشد. از ابتدای ورود اینترنت به ایران ما هرگز گمان نمی‌کردیم این رسانه بتواند در میان قشر سنتی ما راه پیدا نماید، در میان کسانی که غالباً با مظاهر مدرنیته ناآشنا هستند و بنایشان هم بر آشنایی نیست.

اما چندی پیش با رویدادی شگفت این اندیشه از ذهنم رخت بر بست و اضطرابی شدید همراه با نوعی ابتهاج در درونم شکل گرفت! دیر هنگام در نهایت شب، پیش از ترک محل کار بود که برای دیدن نامه‌های جدید، صندوق پست الکترونیکی خود را گشودم و در کمال ناباوری نامه‌ای دیدم که از تهران و از منزل برایم فرستاده شده بود، مادرم برایم میل زده بود!!!

آشنایی با رایانه را خود برای ایشان یک سال پیش ایجاد کرده بودم و آموزشی مختصر برای کار با نرم‌افزار نورالجنان. تنها به نیت استفاده از مفاتیح‌الجنان و صحیفه‌سجاده بود که ایشان پذیرفتند موشواره را در دست بگیرند و بر نشانه‌ها تَفَه بزنند! فقط برای شنیدن آوای ملکوتی ادعیه و اذکار! اکنون دریافتم با گذشت بیش از ۶۵ سال از عمر دنیایی، در کلاسی جهت یادگیری کار با اینترنت ثبت‌نام نموده‌اند! تهران که رفتم کتاب آموزش نرم‌افزار word را نیز نزد ایشان دیدم که به مطالعه‌اش مشغول بودند. با این‌که نشانی از تجدد و نوگرایی در مادرم سراغ نداشتم، در تمام این مدت!

ما به چه سمتی در حرکتیم! اینترنت چه آینده‌ی برای ما رقم خواهد زد؟! آیا تعیین جهت حرکت با ماست؟! آیا در نحوه‌ی توزیع منابع اطلاعاتی و چگونگی گسترش یافتن استفاده از این منابع، ما تصمیم‌گیرنده هستیم؟! یا دیگری تصمیم‌گیرنده‌ی پنهان این ماجراست؟! و یا اساساً هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای وجود ندارد و ما به سمتی می‌رویم که صُدْفَه - یا به قول بعضی طبیعت - ما را بدان‌سو رهنمون است؟!!

این موضوعی است که مقالات بسیاری پیرامون آن نوشته‌اند، بسیار سخن گفته‌اند و حتی فیلم‌هایی در تصویرکردن این سطح از توسعه‌ی دانش ساخته‌اند.

ولی اکنون این موضوع سخن ما نیست! آن‌چه تا کنون در تحلیل چگونگی تسلط انسان بر اطلاعات و ماشین و یا تسلط آن بر انسان گفته شده، همه در جای خود محترم که نقد آن بحثی دیگر می‌طلبد و فضایی مناسب‌تر.

آنچه به عنوان کلام ابتدایی، پیش از آغاز این طرح، می‌پنداشتم بایستی مطرح شده و به آن نظر شود «وجود» این پیش‌فرض بود. وجود گزاره‌ای که صرف نظر از صحت و سقم آن، «اقرار» به بودنش انکارناپذیر است و پذیرفتن واقعیت قدم نخست است در مسیری که در نهایت بتوان آن‌چه را که «باید» به «بود» مبدل کرد و آن‌چه را که «شاید» به «شد»!

در یک کلام؛ اینترنت هست، به سوی ما حرکت کرده است، موانع را پشت سر گذاشته و می‌گذارد، از پراکسی‌های شکننده‌ی ما عبور می‌کند، ما را به خود جذب می‌نماید، در ما تولید نیاز به ارتباط کرده و این ارتباط را ارایه نموده و برقرار می‌نماید و در نهایت؛ آن‌چه «او» می‌خواهد «محقق» شده است!

— محل نزاع:

اینترنت بخش‌های مختلفی دارد و اجزای متفاوتی که یکی از این امکانات «وبلاگ» است.

واژه‌ی لاگ در لاتین ظاهراً برای «کُنده‌ی درخت» وضع شده است. بر روی بریده‌ی درخت، حلقه‌هایی می‌توان یافت که رشد عرضی درخت را در هر زمستان و تابستان نشان می‌دهد و با مطالعه‌ی آن می‌شود به میزان رشد درخت در هر دوره‌ی زمانی پی برد که بیان‌گر میزان بارندگی و مساعد بودن آب و هوا در آن دوره است.

بعدها این واژه برای تاریخ‌نگاری‌هایی که در کشتی‌های نظامی به دستور دولت‌ها صورت می‌گرفت، به کار گرفته شد که مفهوماً به معنای حقیقی واژه نزدیک بود. این انصراف در معنا بارها و بارها رخ داد تا این که در فضای اینترنت، ضمن ترکیب با واژه‌ی «وب» به روزنگاری‌هایی اطلاق گشت که یک کاربر در صفحه‌ای عمومی نوشته و در برابر دیدگان سایر کاربران قرار می‌دهد.

سهولت دسترسی به اینترنت و سایت‌های لاگِر و فردگرایی مفرضی که در جهان توسعه‌یافته در اثر حاکم شدن تئوری توماس هابز، «انسان گرگ انسان است» و «بی‌اعتمادی اجتماعی نسبت به هم‌نوعی که می‌شناسی‌اش»، انسان در اجتماع را به این سو کشانید که نیازهای روحی خود، من جمله نیاز به درد دل و هم‌درد و محرم راز، را با ناآشنایان و غریبه‌هایی که نمی‌شناسد جبران کند و چاله‌چوله‌های درون خود را با خواندن هم‌دردی‌های هم‌دردهایی که چون او در زندانی دیگر، در مکانی دیگر، نقطه‌ای دور از کره‌ی خاکی،

می‌زیند پُر سازد. هم‌دردی که ولو مانند سایر اولاد آدم گرگ است (!)، ولی آن‌قدر دور هست که نتواند «تو»
را بدرد!

«دورگرایی» نسخه‌ای بود که اینترنت برای تسکین فردگرایی ارایه کرد، دردی که زمانی با «حیوانات»
درمان می‌شد و زمانی شعار درمان آن با حضور «ربات‌ها» داده شد – که هرگز محقق نگردید!

— ضرورت:

اکنون پاسخ دادن به این سؤال نباید چندان دشوار باشد: آیا وبلاگ‌نویسی یک درد است؟! آیا پناه آوردن به اینترنت برای درد دل کردن و سخن گفتن نشانه‌ای از بیماری‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری است؟! و یا هنجاری جدید است که در نظر سستی‌ترها ناهنجاری جلوه می‌کند، در نظر کسانی که در زمان جوانی خود چنین ابزاری نداشتند تا چنین هنجاری در میان‌شان شکل گیرد؟!

آنچه مسلم است، حداقل در برابر وبلاگ‌هایی که علناً ناهنجاری‌های اجتماعی را ترویج می‌نمایند، ناهنجاری‌هایی مانند رفتارهای جنسی غیرمتعارف و پرخاش‌گری نسبت به نظامات اجتماعی موجود، می‌توان رد پای آسیب‌های روانی را مشاهده کرد. آسیب‌هایی که عقده‌های اجتماعی را سبب شده‌اند و وبلاگ این افراد زخم‌هایی است که سرباز کرده و آنچه در درون دارد فرا می‌فکند!

به نظر می‌رسد راه‌حلی که دوستان ما یافته‌اند و بر اساس آن، پیشنهاد راه‌اندازی غرفه‌ی «وبلاگ‌نویسان» در نخستین نمایشگاه اطلاع‌رسانی شهر مقدس قم را طرح کرده‌اند، ناظر به همین ناهنجاری باشد. پیشنهادشان این است که با تشویق و تأیید وبلاگ‌نویسان متعهد شرایطی فراهم شود تا بر تعداد این افراد افزوده شود، یا به واسطه‌ی انتقال اعضای از جامعه‌ی «بدان» به جامعه‌ی «خوبان» و یا در نظری دیگر با افزایش تعداد اعضای جامعه‌ی «خوبان»، با صرف‌نظر از «بدان»!

الغرض؛ چه در نظر اول و چه بر اساس رأی دوم، بحث اصلی تشویق به «وبلاگ‌نویسی خوب» است.

— راه کار اول:

بر طبق نظر اول که ناظر بر «تشویق» وبلاگ نویسان برای انتقال از جامعه‌ی «بدان» به جامعه‌ی «خوبان» است، مخاطبین غرفه از اول تا آخر، تنها وبلاگ نویسان اند. کسانی که با اینترنت آشنا بوده و به صورت حرفه‌ای - یا حداقل نیمه حرفه‌ای - وبلاگ می نویسند!

در این رویکرد، تشویق ورود به اینترنت برای کسانی که آشنای به آن نیستند و تشویق کاربران اینترنت برای ورود به حیطه‌ی وبلاگ نویسی برای آنان که از وبلاگ چیزی نمی دانند، اساساً خطاست، چه که روشن نیست اگر ما این افراد را وارد این فضای تازه کردیم و دست شان را به حوزه‌ی وسیعی از اطلاعات خوب و بد گشودیم، بعد تا چه اندازه بتوانیم آنان را کنترل کنیم و از فروغلطیدن در جامعه‌ی «بدان» بازداریم! مایی که بلافاصله بعد از اتمام نمایشگاه، کلیه‌ی ارتباطات خود را با این تازه واردن قطع خواهیم کرد. چه کسی ضامن «بد» نشدن این آدمیان خواهد بود؟!

طبیعی است با پذیرفتن این ایده سطح تبلیغات ما بایستی پایین بیاید و منحصر به گستره‌ی وبلاگ نویسان گردد. بنابراین شرح هزینه‌ها به قرار ذیل خواهد بود:

۱. شناسایی وبلاگ نویسان «خوب» و موفق ۱۰۰ ساعت ۱۵۰ ۰۰۰ تومان
۲. کارت دعوت در ابتدا و لوح یادبود در انتها ۵۰ عدد ۵۰ ۰۰۰ تومان
۳. تزیینات درون غرفه بسیار ساده ۱۰۰ ۰۰۰ تومان

۴. میز و صندلی جهت استقرار در غرفه ۷ عدد
۵. دستگاه رایانه متصل به اینترنت ۷ عدد
۶. طراحی وبلاگ ویژه نمایشگاه ۱۰۰ ۰۰۰ تومان
۷. تبلیغات در پرشین بلاگ برای جلب توجه وبلاگ نویسان بد ۱۰۰ ۰۰۰ تومان
۸. انتشار کتابچه معرفی وبلاگ های خوب (کتاب زرد) ۲۵۰ ۰۰۰ تومان
۹. اسکان وبلاگ نویسان غیر قومی حداکثر تا ۱۰ نفر

جمع هزینه ها ۷۵۰ ۰۰۰ تومان

ابتدا وبلاگ نویسان موفق را بر اساس تعداد مراجعه کنندگان شان و محتوای مطالب شان انتخاب کرده و ارزش گذاری می کنیم، سپس بهترین ها را دعوت می نماییم و آنان را که غیر قومی باشند اسکان می دهیم.

هر روز ۵ نفر از این عزیزان در نمایشگاه حضور داشته و پشت ۵ دستگاه پاسخگوی مراجعه کنندگان و پرسش هایشان خواهند بود.

دو دستگاه رایانه نیز برای مراجعه کنندگان، تا نظرات خود را وارد وبلاگ ما نمایند و یا وبلاگ های معتبر را که ما معرفی کرده ایم مرور کنند و نظر دهند.

کتاب زردی که در معرفی وبلاگ های موفق منتشر خواهیم کرد به رایگان یا با هزینه ای اندک توزیع خواهد شد؛ هم در نمایشگاه و هم بعد از پایان آن.

وبلاگ نویسانی که در نمایشگاه و در شهر قم حضور ندارند، از طریق وبلاگ نمایشگاه در جریان وقایع و آخرین آمار وبلاگ های برتر قرار خواهند گرفت.

جوایز بهترین وبلاگ ها نیز در جشنواره ای اطلاع رسانی توزیع خواهد گردید، بهترین وبلاگ هایی که با کمک نظرسنجی ای که در همین غرفه از میان بازدید کنندگان جمع آوری می شود.

داور این مسابقه بازدید کنندگان نمایشگاه هستند!

— راه کار دوم:

اما بعضی دیگر معتقدند به این سادگی نمی توان «بدان» را از جامعه‌ی خود ساخته‌شان خارج ساخت و در جهانی دیگر که بدان تعلقی حس نمی کنند - جامعه‌ی «خوبان» - داخل کرد.

اینان طرحی دیگر دارند و راهی دیگر پیشنهاد می کنند؛ شما بیایید جوانان را تشویق به استفاده از اینترنت و وبلاگ نمایید، در شهر قم. طبیعتاً کسانی که به واسطه‌ی ما وارد دنیای وبلاگ نویسی شوند و این کار را با همه‌ی ریزه کاری‌هایش از ما فرامی گیرند، خصوص این که در شهر قم هم می‌زیند، در این جامعه‌ی مشخص با این ویژگی‌ها، آمار کسانی که به راه راست می‌روند، به تخمین بیشتر از کسانی خواهد بود که به خطا خواهند رفت. اگر این نظریه را ملحوظ نظر داریم، وظیفه ایجاب می‌کند که اهالی قم را دعوت به کارگاه کنیم و در نمایشگاه نیز کارگاه را یکی از جذاب‌ترین غرفه‌ها سازیم.

هزینه‌های این کار به قرار ذیل خواهد بود:

۱. شناسایی وبلاگ نویسان «خوب» و موفق ۱۰۰ ساعت ۱۵۰ ۰۰۰ تومان
۲. کارت دعوت در ابتدا و لوح یادبود در انتها ۵۰ عدد ۵۰ ۰۰۰ تومان
۳. دکوراسیون غرفه بسیار جذاب ۳۰۰ ۰۰۰ تومان
۴. میز و صندلی جهت استقرار در غرفه ۷ عدد
۵. دستگاه رایانه متصل به اینترنت ۷ عدد

۶. طراحی وبلاگ ویژه نمایشگاه..... ۱۰۰ ۰۰۰ تومان
۷. تبلیغات در پرشین بلاگ برای جلب توجه وبلاگ نویسان بد..... ۱۰۰ ۰۰۰ تومان
۸. انتشار کتابچه معرفی وبلاگ های خوب (کتاب زرد)..... ۲۵۰ ۰۰۰ تومان
۹. اسکان وبلاگ نویسان غیر قومی..... حداکثر تا ۱۰ نفر
۱۰. دستمزد استاد کارگاه وبلاگ نویسی..... ۱۲ ساعت (روزی دو ساعت)..... ۲۴ ۰۰۰ تومان
۱۱. دستگاه ویدئوپروژکتور برای کارگاه..... یک عدد
۱۲. چاپ پوستر تبلیغاتی کارگاه و انتشار در سطح شهر..... ۵۰۰ ۰۰۰ تومان
۱۳. بیل بورد تبلیغات کارگاه..... ۲ عدد..... ۴۰۰ ۰۰۰ تومان
۱۴. طراحی نرم افزار آموزش وبلاگ نویسی (با فلش)..... ۱۰۰ ۰۰۰ تومان
۱۵. انتشار نرم افزار بر روی سی دی کوچک..... ۳۰۰ نسخه..... ۹۰ ۰۰۰ تومان

جمع هزینه ها ۲۰۶۴۰۰۰ تومان

دکوراسیون غرفه به نحوی جذاب و عجیب طراحی می شود. مانند سفینه ای که وبلاگ نویسان را در خود جای داده است! یا شبیه یک وبلاگ بزرگ!

کارگاه آموزشی وبلاگ نویسی پیشرفته هر روز برقرار خواهد بود که آخرین متدهای قالب سازی در وبلاگ و سایر امور فنی مربوطه آموزش داده خواهد شد.

تبلیغات وسیعی برای این کارگاه بایستی انجام شود. پوسترهای مستقل از پوستر نمایشگاه این وظیفه را بر عهده دارند. می توان هزینه ای نیز برای شرکت در این کارگاه در نظر گرفت تا علاقه مندان واقعی را از رهگذران جدا سازد و ثمره ی آموزش را افزون نماید.

سی دی آموزشی وبلاگ نویسی نیز میان این شرکت کنندگان به رایگان یا با تخفیف خاص و برای دیگران نیز قابل فروش خواهد بود.

— در نهایت:

برخورد با موضوعات فرهنگی، فعالیت ساده‌ای نیست و در جمله‌ی اموری قرار ندارد که به صورت فردی و بدون آگاهی‌های خاص می‌توان در خصوص آن‌ها تصمیم گرفت. مقوله‌ی فرهنگ و فرهنگ‌سازی موضوع حسّاسی است که گام برداشتن در آن، تنها با متد و الگوی مشخصی که مبتنی بر آزمون و خطا و جامعه‌های آماری و نمودارها و شاخصه‌های کنترل و ارزیابی باشد میسر است. بدون تئوری و فرضیه نمی‌توان وارد آن شد و در عین حال، بودن پیش‌فرض‌های نادرست نیز به انتاج نادرست می‌انجامد.

از این رو نوشتن طرحی این‌چنینی که بتواند تأثیری را پیش‌بینی و کنترل کند، آن‌هم بر روی اینترنت که مدل‌های فعالیت آن نه تنها نزد ما که برای بسیاری از جهانیان هنوز ناشناخته و بیگانه است، در «یک روز» و «به تنهایی»، امری احمقانه به نظر می‌رسد.

اما برای ما که دقیقه‌ی نود بودن فعالیت‌های فرهنگی‌مان شهره‌ی خاص و عام است، این ناهنجاری بدل به هنجار شده است! و ما ناگزیریم که توکل بر خدا کنیم و چشم‌پسته از او طلب یاری نماییم و اگر قدم در راه می‌گذاریم با ایمان به هدایت اوست، چه که می‌دانیم با محاسبات مادی، رفتارمان بسیار از معرکه پرت است و حقیقت این که موفقیت‌هایمان - به وضوح - به سبب لطف و رحمت اوست!

به امید یاری پروردگار و رضای حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف